

## نقش دادگستری در جامعه

بار دیگر نقش دادگستری در کشورهای عالم اهمیت خود را نشان داد سال گذشته قاضی آمریکائی در مورد نیکسون رئیس جمهور آمریکا قدرت قوه قضائیه آمریکا را به ثبوت رسانید و این عمل او چیزی از شأن دولت آمریکا در دنیا نکاست بلکه سطح ارزش جامعه آمریکا را در دنیا بالا برد اختلاف طرز تفکر غرب با شرق در مقابل احترام بقانون این است که وقتی دیوان عالی آمریکا هم رأی قاضی دادگاه بدوی را راجع بلزوم تسلیم نوارهای ضبط صوت کاخ سفید بدادگاه تأیید نمود نیکسن تسلیم شد مردم آمریکا متوجه شدند يك قدرتی بنام قوه قضائیه وجود دارد که بدون پروا و ملاحظه قانون را حفظ میکند و ثمره این برخوردها این است که ایمان و اعتماد مردم را بطرز حکومتی و قوانینی که دارند محکم تر میکند و چنین مردمی که از چنین نعمتی برخوردارند قدر آن را میدانند و در مقابل هر چیزی و دشمنی و تبلیغات حکومت خود را حفظ میکنند و در راه آن از هیچ فداکاری کوتاهی نخواهند نمود وقتی قضیه نیکسون بدیوان عالی رجوع شد این نکته هم قابل توجه است که تردیدی در تصمیم هیئت نه نفری آن از نظر اتفاق آراء در مطبوعات ظاهر شده بود و چون چهار نفر از نه نفر اعضاء دیوان عالی را نیکسن تعیین نموده بود این تردید بوجود آمد ولی از نه نفر مزبور هشت نفر باتفاق آراء رأی قاضی (جان سیریکا)

را که اکنون شهرت بین‌المللی دارد تأیید نمودند و فقط يك نفر از شرکت در رأی امتناع نمود و آن هم باین علت بود که او زیردست دادستان کل (جان میچل) کار کرده بود و چون دادستان کل نامبرده هم بعنوان متهم در همین قضیه تحت تعقیب بود برایش دشوار بود که در رأی شرکت کند و شرکت نکردن خود را بهتر از شرکت در رأی میدانست.

پس این نکته قابل توجه است که هر چند رئیس جمهور اعضاء دیوان عالی و رئیس آنرا تعیین میکند ولی بعد از معین شدن منتخبین رئیس جمهور خود را مدیون او در این سمت و مقام نمیدانند ولو اینکه انتخاب‌کننده آنها طرف دعوائی باشد که این عمل هم اعتقاد مردم آمریکا را بطرز حکومت و قانون اساسی خود بیشتر کرد چه ضامن اجراء قانون اساسی در واقع قوه قضائیه است.

در این سال در ماه‌های گذشته در کشور هند واقعه‌ای رو داد که باز موضوع نقش دادگستری را در دنیا بمیان آورد و قاضی هندی جواب قاضی آمریکائی را در عمل باین نحو داد که شرق کم از غرب نیست.

این برخورد دادگستری با قوه مجریه از نظر سیاسی در کشور- های دیگر مورد توجه و بحث نیست بلکه آنچه در کشوری واقع میشود مربوط بخود همان کشور است اما موضوع اهمیت نقش دادگستری را در جوامع بمیان می‌آورد که در هر حکومتی و کشوری که قوه قضائیه مقتدر باشد و وظائف خود را انجام دهد مردم آن کشور که خود را در پناه آن از هر تعدی و تجاوز خواه بوسیله دستگاه‌های دولتی یا اشخاص مقتدر و ذی‌نفوذ و یا افراد متعددی مصون و در امان میدانند بهمه چیز جامعه خود علاقمند خواهند بود و رابطه معنوی آنها با دولت و طرز حکومت و قوای دیگر کشوری محکم‌تر و ناگسستنی میشود مردم از حکومت خود راضی و برای حفظ آن از هیچ کوششی خودداری نخواهند نمود زیرا دادگستری متعدی و متجاوز و ذی‌قدرت را که برخلاف حق و قانون تعدی بحقوق عمومی یا فردی کند بجای خود می‌نشانند و در چنین اجتماعی عدم رضایت و بغض نسبت بحکومت و طرز حکومت و دستگاه‌های حکومتی و صاحبان مقامات عمده بوجود نخواهد آمد و میتوان گفت قوه قضائیه

برق‌گیر طوفان خشم و احساسات تندی است که ممکن است از اعمال  
عمال دولت یا اشخاص ذی‌قدرت و متنفذ برخیزد و اگر این برق‌گیر  
نباشد و یا اگر باشد ولی بوظیفه خود عمل نکند طوفان خشم و  
احساسات تند فضای اجتماع را تیره و تار میکند و در چنین مواقع  
است که عدم رضایت حاصل میشود و از این وضع مفرضین یا  
دشمنان کشور سوء استفاده میکنند چنانچه در بیست سال اخیر  
شاهد بوده‌ایم عدم رضایت داخلی در کشورهایی که محتاج بذکر  
اسم آنان نیست چگونه عده‌ای را گمراه نموده و بعنوان و تحت  
لوای حفظ آزادی مردم را فریفته ولی همینکه بمقصد رسیده‌اند  
آزادی را خفه کرده‌اند و حساب آن آزادی‌خواهانی که با آنها  
همدست بوده‌اند و نیت بدی هم نداشتند در همان وهله اول  
رسیده‌اند و یا آنها را خفه یا نابود کرده‌اند یا خود آنها گریخته‌اند  
و مردم را اسیر عده‌ای یا عمال و همدست و آلت بیگانه یا جاه‌طلب  
و یا افراطی نموده‌اند که از مردم سلب آزادی نموده‌اند و نجات-  
دهندگان با اصطلاح آزادی خود دشمن آزادی هستند که در حال حاضر  
کشور پرتغال در جلوی چشم ما بهترین شاهد است.

اما در انگلستان و آمریکا و فرانسه و کانادا و کشورهای  
زیادی در ردیف آنها عدم رضایت از دستگاه‌های دولتی یا اشخاص  
متنفذ یا زورگو یا غاصب حقوق مردم و امثال آن وجود ندارد افکار  
در چنین جوامعی از حیث مسائل اقتصادی مثلاً تولید و توزیع  
یکسان نیست افکار تند و معتدل و میانه‌رو و ملایم وجود دارد، با  
انتخاب نمایندگان خود در پارلمان و دولت‌های منتخب آنچنان  
پارلمان‌ها و از طریق اکثریت و اقلیت و وضع قوانین و با روش  
تدریجی پارلمانی و مطبوعات و تبلیغات معقول افکار اقتصادی یا  
اجتماعی خود را رواج میدهند و بصورت قانون درمی‌آورند.

اما مثلاً، در کشورهایائی که نام بردم عدم رضایت باین عنوان  
که مردم از اعمال دستگاه‌های عمومی ناراضی باشند که بحقوق  
آنها تعدی یا تجاوز نمایند یا آنکه افراد متنفذ بتوانند حقوق  
دیگران را برخلاف قوانین و اصول ضایع سازند وجود ندارد ممکن  
است از طرز کار و عدم کفایت در اداره کردن انتقاد باشد ولی  
عدم رضایتی که بتدریج متراکم شود و روزی با تحریکات بصورت

انفجار درآید وجود ندارد زیرا دستگاه‌های دولتی و عمومی و اشخاص ذی‌قدرت و ذی‌نفوذ و یا ثروتمند نمیتوانند بحقوق افراد تجاوز و تعدی کنند.

چه چیز جلوی آنها را میگیرد؟ قوه مستقل قضائی که آنها بمنظور حفظ قوانین و حقوق عمومی و خصوصی بوجود آورده‌اند و هرکس شکایتی دارد باین قوه مراجعه میکند بطرفیت هرکس و هر مقامی باشد و قوه قضائیه بدون پروا و بدون ملاحظه مقام یا شخص یا ثروت رسیدگی و احقاق حق میکند و دیگر مردم از شهرداری و فرهنگ و اداره دارائی و کلیه ادارات عمومی که مردم با آنها در تماس‌اند عدم رضایت نخواهند داشت زیرا مقام قضائی جلوی هر تعدی را میگیرد و اگر ادارات دولتی و وظیفه‌ای را که دارند و حق افراد را رعایت نکنند مردم از دادگاه اجبار آنها را باجرا قانون میخواهند اگر برخلاف قانون دستگاه‌های دولتی عملی نموده باشند مردم در همه موارد بدادگاه‌ها میتوانند رجوع کنند و تأمین حقوق مردم با قوه قضائی است و وقتی قوه قضائیه طبق وظائفی که دارد و بمقتضای شئون خود عمل کند دیگر در جامعه عدم رضایت از حکومت وجود نخواهد داشت.

پس هر قدر قوه قضائیه ضعیف باشد یا محدود باشد در درجه اول بر ضرر خود حکومت است که عدم رضایت مردم را بدون جهت بخودش متوجه میکند من از لحاظ تأثیر قوه قضائیه در حفظ آرامش در اجتماع مثالی از انگلستان میاورم.

چند سال قبل در یکی از شهرهای انگلستان یکی از افراد پلیس شهر بعلت غفلت در انجام وظیفه منفصل از خدمت شد مرجع تجدید نظر در این مورد طبق قانون انگلستان وزارت کشور است پلیس مزبور به وزارت کشور شکایت کرد ولی انفصالش در وزارت کشور هم تأیید شد بنظر میرسد که دیگر راهی برای آن پلیس وجود نداشته که از تصمیم قطعی مراجع اداری بتواند شکایت کند ولی او بدادگاه دادگستری تظلم نمود که مرجع اداری بدون اینکه دفاع او را شنیده باشد حکم بانفصال او کرده است دیوان عالی تظلم او را وارد دانست و اظهار نظر کرد که قاعده عدالت طبیعی اینست که دفاع هر شخصی که تحت تعقیب است باید شنیده شود و رسیدگی

شود و چون دفاع این شخص شنیده نشده تصمیم هیئت‌های اداری در مورد او قطعی نیست و خلاف قاعده عدالت طبیعی است و چون هیئت اداری اظهار نظر خود را نموده بنا بر این شکایت این شخص بدادگاه عمومی صحیح است و دادگاه‌ها باید نسبت بموضوع انفصال او از خدمت رسیدگی کنند.

وجود يك چنین دستگاه قضائی با چنین قدرتی برای حفظ اصول عدالت و قوانین هرگز نمیگذارد که در چنین جوامعی عدم رضایت از حکومت پیش آید چه حق هر فردی بوسیله دستگاه قضائی محفوظ است و دستگاه قضائی که نتواند بوظیفه و حسب شأن خود و باتکاء استقلال خود آنطوری که قانون مقرر داشته عمل کند در واقع اول بخودش و اعضاء خودش و بعد بدولت و طرز حکومت کشور خودش و سپس بافراد مردم خیانت میکند زیرا اوست که باشخاصی که تجاوز و تعدی بحقوق عمومی و خصوصی میکنند باعدم اجراء اختیار و قدرت خود میدان و آزادی عمل میدهد.

قضیه رأی دادگاه هند در مورد نخست وزیر هند بدون اینکه نویسنده نظری راجع بصحت حکم داشته باشم صرفاً از لحاظ نفس عمل قابل توجه است بدین توضیح که دادگاه هند با آنکه نخست‌وزیری که بدون تردید متکی بافکار عمومی است طرف دعوی بوده این قدرت را نشان داده که حتی نسبت باو هم نظر خود را با استقلال فکر اظهار کند و پروائی از نتیجه نداشته باشد که این هرچند برای دولت و اکثریت عظیم طرفداران خوش آیند نبود ولی شأن کشور هند را از لحاظ داشتن يك قوه قضائیه مقتدر و بدون ملاحظه نسبت باشخاص وموارد در دنیا بالا برده است.

چند سال قبل نخست‌وزیر فعلی هند قانونی را بتصویب پارلمان رسانید که موجب ماهاراجه‌های هند را قطع میکرد ماراجه‌ها بدیوان عالی هند که مرکب از پنج نفر است شکایت کردند و دیوان عالی عمل دولت را بعنوان اینکه خلاف قانون اساسی است محکوم نمود من چند سال قبل که برای شرکت در کنگره انجمن بین‌المللی صلح از طریق قانون که در شهر بلگراد (یوگوسلاوی) منعقد میشد رفته بودم رئیس دیوان عالی هند را مکرر ملاقات نموده که نسبت بایران بسیار اظهار علاقه مینمود و مسلمان هم بود و وقتی صحبت

از موضوع ماهاراجه‌ها بمیان آمد اظهار نمود که خود او رأی دیوان عالی را بنفع ماهاراجه‌ها از طرف سایر اعضاء انشاء نموده است.

البته بعداً قانون مزبور براساس تشریفات که برای اصلاح قانون اساسی در هند لازم است اصلاح شد و این دفعه چون طبق قانون اساسی اصلاح شده بود در دیوان عالی قابل شکایت نبود. در قضیه فعلی دادگاه هند شکایت در مورد سوء جریان انتخابات مربوط به نخست‌وزیر را قبول نمود و حکم نمود که تا شش سال نخست‌وزیر از نمایندگی پارلمان محروم باشد و چون لازمه مقام وزارت نمایندگی پارلمان است نخست‌وزیر نمیتوانست در مقام خود باقی بماند و لذا از این حکم شکایت کرد و دیوان عالی دستور توقیف اجراء حکم را داد و مقرر کرد که تا تصمیم قطعی دیوان عالی نخست‌وزیر میتواند در مقام خود باقی باشد.

در این ضمن نخست‌وزیر قانونی را بتصویب پارلمان رسانید که دادگاه را از رسیدگی با اتهامات مربوط بانخابات منع میکند و قانون مزبور را هم عطف بمراسم سابق نمود و حال آنکه هنوز دیوان عالی که در تعطیل تابستانی بوده باصل موضوع رسیدگی نکرده بوده. شاکی قضیه که رهبر یک حزب مخالف است بدیوان عالی اعتراض نمود که جریان قانون تصویب شده بنفع نخست‌وزیر بر طبق مقررات اصلاح قانون اساسی نبوده و باصول اساسی قانون اساسی لطمه میزند دیوان عالی هند استماع این شکایت را قبول و برای ۲۵ اوت وقت رسیدگی تعیین نموده که از نظر مقررات اصلاح قانون اساسی رسیدگی کند که آیا تصویب این قانون مطابق با آن میباشد یا نه و اکنون که این مقاله را مینویسم هنوز تصمیم دیوان عالی بر نویسنده معلوم نشده است.

منظور من از این مقاله اظهار نظر در مورد جریان داخلی کشور هند نیست و فقط منظور این است که عظمت دستگاه قضائی و تأثیر و نقش آن در جامعه واضح شود که وقتی دستگاه قضائی آنچنان بود که حتی در چنین مواردی که در آمریکا و هند ذکر شد بدون پروا و ملاحظه فقط برای حفظ قوانین عمل میکند در چنین جوامعی عدم رضایت و بغض نسبت بدستگاه‌های دولت و حکومت و رؤساء

دولتی و ثروتمندان و اشخاص ذی نفوذ بوجود نمیاید و این برق گیر عدالت عدم رضایت را برطرف میسازد پس هر قدر قوه قضائیه مقتدرتر باشد بِنفع و صلاح حکومت و رؤساء دولت و صاحبان مقامات در دستگاه های دولتی ذوی النفوذ و ثروتمندان است چه وقتی مقامی بود مستقل که جلوی تعدی و تجاوز را بگیرد اگر آن مقام نگرفت خودش مورد عدم رضایت مردم میشود نه حکومت و این مقام دستگاه قضائی هر کشوری است که هرگاه مطابق شئون و وظیفه عمل کرد مردم از او راضی و الا ناراضی اند و هر کشوری که دستگاه قضائی را مقتدر و در نزد مردم محترم و قابل اعتماد مردم کند از بسیاری از بلاهای داخلی و خارجی محفوظ خواهد بود در آن جامعه مردم احساس آرامش و اطمینان خواهند نمود و قدرت تجاوز بریکدیگر را ندارند نه دولت و دستگاه های دولتی بر مردم میتوانند تعدی کنند و نه مردم بدولت و دستگاه های دولتی و در چنین جامعه ای آسایش خواهد بود.

هرگاه بخواهید رمز موفقیت ترقی اقتصادی کشورهای پیشرفته را بدانید همین آسایش است و اعتماد باینکه با بودن دستگاه قضائی مستقل مقتدر کسی نمیتواند بحقوق آنها تعدی و تجاوز کند و دستگاه های قضائی آن کشورها این اعتماد را با رویه خود بوجود آورده اند چنانچه وقتی مهم ترین قضایا پیش میاید مثل آمریکا و هند دستگاه قضائی بدون تفاوت عمل میکند و با این طریقه اعتماد مردم را جلب میکند که هرکسی در کار و مقام و شغل و وضع خود در مقام هر قدرت و شخصی و وضعی میتواند اطمینان و آسایش داشته باشد این اعتماد و آسایش بود که دنیای غرب را در اقتصاد تا این اندازه پیشرفت داد و فعالیت های مردم را در رشته های مختلف تشویق نمود زیرا هرکس میدانست که با دستگاه قضائی حشش قابل تجاوز نیست اگر در این کشورها از طرف افرادی در دستگاه قضائی بواسطه عدم اطلاع و بصیرت کافی علمی یا تعصبات مرامی یا جهات دیگر اشتباهی شود یا رعایت شئون قضائی نشود دیوان عالی کشور مانند یک پاسدار مواظب عمل و حقوق مردم را در پناه قوانین حفظ خواهد نمود. و دیوان عالی در همه کشورها بهمین منظور بوجود آمده است.